



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۴۰۰، دوره ۴، شماره ۲، صص ۵۰۷-۴۸۸

رابطه بین سبک های تفکر و هوش هیجانی با عملکرد خانوادگی در زنان متاهل

زینب بهفر^۱، مژگان مردانی راد^{۲*}، حمیدرضا رضازاده بهادران^۳

^۱- دانشجوی کارشناس ارشد گروه مشاوره، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲- استادیار گروه مشاوره، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۳- استادیار گروه مشاوره، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

mmrad11@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۹

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه بین سبکهای تفکر و هوش هیجانی و بر عملکرد خانوادگی در زنان متاهل شاغل در بیمارستان مرکز طبی کودکان شهر تهران در پاییز و زمستان ۱۳۹۹ می باشد. روش تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی می باشد متغیرهای مستقل سبکهای تفکر و هوش هیجانی و متغیر وابسته پژوهش عملکرد خانوادگی می باشد جامعه آماری پژوهش ۱۸۱ نفر و نمونه آماری ۱۲۱ نفر بود که به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه سبک تفکر استرنبرگ، هوش هیجانی شات و پرسشنامه عملکرد خانوادگی (FAD) استفاده شد برای آزمون فرضیه و اهداف پژوهشی بعد از بررسی پیش فرض های کلی و اختصاصی از روش های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده در بخش آمار توصیفی از شاخص های آماری چون فراوانی، میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین در بخش آمار استنباطی از آزمون همبستگی پیرسون تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد که سبک های تفکر و هوش هیجانی با عملکرد خانواده در کارکنان زن متاهل شاغل در مرکز درمانی رابطه وجود دارد. بین هوش هیجانی و اختلال عملکرد خانواده رابطه منفی و معناداری وجود دارد به عبارت دیگر بین هوش هیجانی و عملکرد خانواده رابطه مثبت و معناداری وجود دارد همچنین بین سبک های تفکر و عملکرد خانواده رابطه معناداری وجود ندارد همچنین نشان داده شد بین سبک های تفکر و توانایی حل مشکل (مولفه عملکرد خانواده) رابطه وجود دارد و بین سبک های تفکر و ایفای نقش، آمیزش عاطفی و همراهی عاطفی (مولفه های عملکرد خانواده) رابطه وجود ندارد. همچنین بین هوش هیجانی و توانایی حل مشکل، ایفای نقش، آمیزش عاطفی و همراهی عاطفی (مولفه های عملکرد خانواده) رابطه وجود دارد.

کلید واژه ها: سبک های تفکر، هوش هیجانی، عملکرد خانوادگی و زنان متاهل و شاغل



مقدمه

خانواده یکی از ارکان اصلی جامعه به شمار می رود. دستیابی به جامعه سالم آشکارا در گرو سلامت خانواده است. و تحقق خانواده سالم، برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن رابطه مطلوب با یکدیگر است (بورنشتاین^۲ به نقل از اختیاری، فرحبخش، کلانتر هرمزی، سلیمی و بجستانی^۳ ۱۳۹۷) مفهوم خانواده صرفاً حضور تعدادی از افراد که در یک فضای فیزیکی و روانشناختی در کنار یکدیگر قرار دارند، نیست. خانواده به عنوان یک سیستم اجتماعی فرهنگی تلقی می شود، که در کنار همه خصوصیات دیگرش دارای مجموعه ای از قواعد است و هریک از اعضای آن نیز نقش خاصی دارند (بوئن^۴ ۱۹۸۷ به نقل از علیایی^۵ ۱۳۹۷). الگوی مک مستر عملکرد خانواده را در سه دسته وظایف بنیادی شامل موارد ذاتی (مثل سرپناه و غذا) وظایف رشدی (شامل مسائل مربوط به رشد و مراحل تحول خانواده مثل ازدواج و بارداری) و رویدادهای مخاطره آمیز (شامل بحران های مربوط به بیماری و حوادث) دسته بندی می کند (اپشتاین^۶، بالدوین^۷ و بیشاب^۶ ۱۹۸۷ نقل از علیایی^۵ ۱۳۹۷) به عبارت دیگر عملکرد خانواده تلاش مشترک برای برقراری و حفظ تعادل در خانواده است (بخشی پور، اسدی، کیایی، شیرعلیپور و احمد دوست^۸ ۱۳۹۱). از نظر عملکردی می توان خانواده ها را در دو دسته عملکردی و غیر عملکردی تقسیم کرد. خانواده های عملکردی مشکلات خود را به درجات و در زمان بندی های متفاوت حل می کنند. در واقع خانواده عملکردی، مجموعه ای باز است که اعضا به طور عاطفی به هم پیوسته اند. البته برای گسترش هویت فردی خود نیز تشویق می شود، فضای چنین خانواده های مملو از عشق و پذیرش بی قید و شرط است. در نتیجه تعارض را تحمل می کنند و با میل و رغبت درخواست کمک یکدیگر را اجابت می کنند (استریت^۷ ۱۹۹۴ ترجمه تهریزی و علوی نیا^۹ ۱۳۹۴). خانواده های غیر عملکردی، حالت بسته دارد و لذا از لحاظ عاطفی به حال خود رها شده، و جدا از هم هستند. مرزها بین اعضا سخت و حتی مبهم است. عشق مشروط بوده، و اعضای خانواده برای گسترش هویت فردی تشویق نمی شوند. خانواده از قبول مشکل و یا درخواست کمک خودداری نموده، و به نظر می رسد که مشکلات ادامه می یابد و یا به شکل های دیگری بروز می کند (پیکرستان^{۱۰} ۱۳۸۰ به نقل از حبیبی و سلیمانی^{۱۱} ۱۳۹۱). در صورتی که، محیط سالم، روابط گرم و تعامل بین فردی صمیمی، باعث رشد و پیشرفت اعضای خانواده می شود (مهدی زاده طورزنی^{۱۲} ۱۳۹۵ به نقل از مسیبی اردکانی^{۱۳} ۱۳۹۷). یکی از عواملی که با عملکرد خانوادگی رابطه دارد سبک های تفکر است (بهرامی هیدچی، سوداگر، مسچی و جعفری آذر^{۱۴} ۱۳۹۶). سبک های تفکر ترجیحات ما درباره چگونگی استفاده از هوش و استعدادهایمان هستند. هوش به آنچه فرد می تواند انجام دهد اشاره می کند، اما سبک تفکر به آنچه فرد ترجیح می دهد، انجام دهد گفته می شود (سیف^{۱۵} ۱۳۸۸ به نقل از صادقی^{۱۶} ۱۳۹۲). اینکه ما از چه دریچه ای به زندگی نگاه می کنیم و عکس العمل ما در مقابل وقایع چگونه باشد، همگی از تفکرات ما چشمه می گیرد. سبک تفکر و نوع تفکر مسیر زندگی ها را رقم می زند (محمدی گوندره^{۱۷} ۱۳۹۱). یکی دیگر از عوامل مهمی که به نظر می رسد با عملکرد خانواده ارتباط دارد و حتی می تواند پیش بینی کننده آن باشد، هوش هیجانی است. هوش هیجانی در واقع هوش

² Borneshtain

³ Bowen

⁴ Epstein

⁵ Baldwin

⁶ Bishop

⁷ Estrit

غیر شناختی است و از مفهوم هوش اجتماعی نشأت می‌گیرد. که اولین بار توسط ثراندیک^۸ در سال ۱۹۲۰ شناسایی شد (قمری، ۱۳۹۰ ص ۱۰). افرادی که هوش هیجانی خود را تقویت می‌کند و آن را به حد کمال می‌رساند، نوعی توانایی منحصر به فرد به دست می‌آورد تا در شرایط و موقعیت‌هایی که دیگران در آن گرفتار می‌شوند و رنج می‌کشند به خوبی شکوفا شوند. هوش هیجانی است که، تعیین می‌کند چگونه رفتار کنیم، چگونه با مشکلات اجتماعی کنار بیاییم و چگونه تصمیماتی بگیریم که به نتایج مثبت ختم شود (ابراهیمی و همکاران ۱۳۹۶ به نقل از خطیبی ۱۳۹۶). از آنجایی که افراد برای اداره و هدایت فعالیت‌های ایشان از سبک‌های تفکر بهره می‌برند و با توجه به اینکه تصمیم‌گیری در خصوص استفاده از این روش‌ها بر عهده هوش هیجانی است. و چون سبک‌های تفکر و هوش هیجانی در نوع عملکرد خانوادگی فرد دارای اهمیت است. بنابراین پژوهشگر در این پژوهش درصداست که رابطه سبک‌های تفکر و هوش هیجانی بر عملکرد خانوادگی زنان متأهل را مورد بررسی قرار دهد.

افراد برای اداره و هدایت فعالیت‌هایشان از شیوه‌های متفاوتی استفاده می‌کنند که سبک تفکر نامیده می‌شود و تصمیم‌گیری در خصوص استفاده از این روش‌ها بر عهده هوش هیجانی است یعنی افراد می‌توانند از اطلاعات عاطفی خود که از هوش هیجانی‌شان نشأت می‌گیرد و به عنوان راهنمای فرایند تفکر و اقدامات شخصی‌شان بهره ببرند در واقع می‌توان گفت سبک‌های تفکر و هوش هیجانی سازه‌هایی هستند که می‌توانند پلی میان شناخت و شخصیت ایجاد کند. (قایمی طلب ۱۳۹۶). با توجه به اینکه در حیطه رابطه هوش هیجانی و سبک‌های تفکر با عملکرد خانواده پژوهش‌های پراکنده و کمی انجام شده است و اینکه تا به حال پژوهش‌های منسجمی به بررسی رابطه بین دو متغیر (هوش هیجانی و سبک‌های تفکر) با عملکرد خانواده بطور توأماً نپرداخته است. لذا این پژوهش در صدد پاسخگویی به این مسأله خواهد بود که آیا رابطه‌ای بین سبک‌های تفکر و هوش هیجانی با عملکرد خانوادگی در زنان متأهل وجود دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

- بین سبک‌های تفکر و هوش هیجانی بر عملکرد خانواده در زنان متأهل شهر تهران رابطه وجود دارد.
- بین سبک‌های تفکر و عملکرد خانواده (مولفه‌های حل مشکل، نقش، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی) رابطه وجود دارد.
 - بین هوش هیجانی و عملکرد خانواده (مولفه‌های حل مشکل، نقش، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی) رابطه وجود دارد.
 - سبک‌های تفکر و هوش هیجانی در پیش‌بینی عملکرد خانواده سهم دارند.

⁸ Thorndik

مبانی نظری پژوهش

تعریف مفهومی عملکرد خانواده

منظور از عملکرد خانواده، نقش‌ها و وظایف خانواده در قبال اعضای خود می‌باشد. به عبارت دیگر عملکرد خانواده عبارت است از تحقق تکلیف خانواده که توسط اعضاء و زیر منظومه آن صورت می‌پذیرد (ثنایی ذاکر، هومن و علاقیند، ۱۳۸۸).

حل مشکل: این بعد مربوط می‌شود به توانایی خانواده در حل مشکلات در حدی که بتواند کارآیی مؤثری داشته باشد. حل مشکل شامل هفت مرحله است: ۱) شناسایی مشکل، ۲) مشکل را به اطلاع افراد یا منابع ذیربط رساندن، ۳) چاره‌اندیشی برای راه حل‌های متعدد، ۴) تصمیم در مورد یک راه حل عملی، ۵) اجرا و عمل نمودن تصمیم، ۶) کنترل اجرایی و ۷) ارزشیابی میزان موفقیت راه حل بکار گرفته شده. هرگاه مراحل به خوبی اجرا شوند، مشکل به مؤثرترین وجه حل می‌شود و هرگاه خانواده در شناسایی و تشخیص مشکل خود در بماند، در حل مشکلات ناتوان خواهد بود.

نقش‌ها: این سازه، کارآمدی خانواده را بر اساس تخصیص وظایف و تکالیف به اعضای خانواده و کامل نمودن تکالیف از سوی آنها توصیف می‌کند. نقش‌ها گاه به صورت رسمی و گاه به صورت غیر رسمی تخصیص می‌یابند، در بسیاری از خانواده‌ها بیشتر به صورت الگوهای عادی برای اعضای خانواده در می‌آیند. این الگو نقش‌هایی را که برای عملکرد سالم خانواده انجام می‌گیرد از کارکرد‌های غیر ضروری متمایز می‌سازد (نجفی، ۱۳۹۳ص ۱۴) (تامپلین^۹ و گودیارت^{۱۰} هربرت^{۱۱}، ۱۹۸۸). دو نوع قاعده و مقررات در خانواده قابل شناسایی اند: قواعد آشکار و قواعد پنهان. قواعد آشکار مانند مداخله کودکان در صحبت والدین، آویختن لباس بچه‌ها در جای مربوطه، و امثال آن مشاهده و درک آن آسان است. قواعد پنهان، قواعدی مانند در میان گذاشتن به موقع مسأله حاد شغلی که برای شوهر پیش آمده با همسرش، صحبت کردن به موقع و مناسب پدر با فرزند بزرگش که دچار مشکل روحی شده است را شامل می‌شود. اعضای خانواده با مشاهده الگوی رفتار دیگران در خانه، موجودیت و چگونگی آنها را استنباط می‌کنند. در خانواده کارا، قوانین به حفظ نظم و انضباط کمک می‌کند و در شرایط خاص نیز اجازه تغییرات لازم را می‌دهند.

همراهی عاطفی: همراهی عاطفی به توان اعضای خانواده در پاسخ‌دهی مناسب به موقعیت‌های هیجانی مثبت و منفی گفته می‌شود (تامپلین و همکاران، ۱۹۹۸). در مدل مک مستر دو نوع همراهی عاطفی عمده شناخته شده است:

۱. احساسات آسایش که شامل واکنش‌های هیجانی مثبتی مانند عشق، مهربانی و شادی است.
۲. احساسات اضطرابی که شامل عواطفی مانند ترس، اضطراب، خشم و مانند آن می‌شود. کارآیی عاطفی در این بعد شامل توانایی خانواده در برابر دامنه وسیعی از احساسات متناسب با موقعیت است.

⁹ Tamolin

¹ Goodyer

¹ Herbert

آمیختگی عاطفی: واکنشی است که هر یک از اعضاء در برابر علاقه و توجه دیگری نشان می دهد. در واقع میزان علاقه و نگرش اعضای خانواده را نسبت به هم توصیف می نماید (تامپلین و همکاران، ۱۹۹۸). به طور ایده آل، خانواده نیازهای هیجانی همه اعضایش را برآورده می کند تا به مرحله ای از رشد برسند. بعضی از این نیازها توسط افراد بیرون از خانواده برآورده می شوند؛ این امر به طور فزاینده‌ای در دوره طبیعی رشد و در مقطع نوجوانی روی می دهد.

انواع دخالت عاطفی در الگوی مک مستر^۱ متمایز شده اند:

- الف) فقدان دخالت؛ اشاره به این دارد که اعضای خانواده بیشتر مانند غریبه ها در خانه ای بزرگ زندگی می کنند. آنها اغلب تنها هستند و کام روا نیستند.
- ب) علاقه از احساسات جداست؛ در چنین خانواده هایی به نظر می رسد آمیختگی اعضای خانواده با یکدیگر از احساس وظیفه، نیازی در یک عضو برای کنترل عضوی دیگر، و حس کنجکاوی نشأت می گیرد.
- ج) آمیختگی خود خواهانه؛ در این جا عضوی از خانواده به منظور حفظ احساسات ارزشمند خویش به عضو دیگر همراه می شود؛ نه به خاطر مراقبت یا نگرانی واقعی نسبت به وی.
- د) دخالت دل سوزانه؛ این امر بر درک واقعی نیازهایی که فرد با آنها دست به گریبان است مبتنی است و به پاسخ هایی می انجامد که این نیازها را برآورده می سازد.
- ه) شبکه؛ این اصطلاح در الگوی فرایند به کار رفته است. هرچند الگوی مک مستر حاوی دو طبقه است که مفهوم مشابهی را توصیف می کند: «آمیختگی بیش از حد» و «آمیختگی همزیستی»، مفهوم دوم تنها در روابط به شدت مختل دیده می شود (تامپلین و همکاران، ۱۹۸۸).

تعریف عملیاتی عملکرد خانواده

در این پژوهش منظور از عملکرد خانواده نمره ای است که آزمودنی از طریق پرسشنامه سنجش خانواده (FAD) اپشتاین، بالدوین و بیشاپ (۱۹۸۳) (به نقل از ثنائی ذاکر ۱۳۸۸) (که شش بعد را در نظر می گیرد). به دست می آورد

تعریف مفهومی سبک های تفکر

رابرت استرنبرگ (۱۹۹۴)، شیوه های متفاوت تفکر افراد در پردازش اطلاعات را به عنوان سبک های تفکر نامگذاری کرده است. از نظر وی سبک تفکر، روش رجحان یافته تفکر است. سبک تفکر توانایی نیست بلکه روش بیان یا کاربرد یک یا چند توانایی است. توانایی، به خوبی از عهده برآمدن کاری اشاره دارد، در حالی که سبک، به این که فرد دوست دارد چگونه کار را انجام دهد، دلالت می کند. سبک تفکر جریانی مشتمل بر دو مرحله: الف) ابتدایی، که مرحله شک و ابهام است و ب) مرحله انتهایی، که فرد به نتیجه و جواب دست می یابد، می باشد (جهانیان ۱۳۹۰ به نقل از دیویی^{۱۴} ۱۹۳۲). سبک های تفکر به نظریه خود مدیریتی ذهنی استرنبرگ، ۱۹۹۷-۱۹۹۸ به نقل از ژانگ (۲۰۰۴) استوار است و مطرح می کند همانگونه که برای مدیریت یک جامعه راه های متفاوتی وجود دارد افراد نیز برای بهره گرفته و از

¹ McMaster	2
¹ Sternberg	3
¹ Dewey	4
¹ Zhang	5

توانایی های خود از شیوه های متفاوتی استفاده می کنند این نظریه ۱۳ سبک تفکر را توصیف می کند و در پنج بعد از یکدیگر متمایز می شوند که شامل: کارکردها، شکل ها سطوح حوزه ها، و گرایش ها است (امامی پور ۱۳۸۰).

تعریف عملیاتی سبک های تفکر

در این پژوهش منظور از سبک های تفکر نمره ای خواهد بود که آزمودنی از پرسشنامه های سبک های تفکر استرنبرگ و واگنر (۱۹۹۴) به دست می آورد.

تعریف مفهومی هوش هیجانی

هوش هیجانی نوعی توانایی و به عنوان ظرفیت ادراک، ابراز، شناخت، کاربرد و اداره هیجانات در خود و دیگران تعریف شده است (مایر و سالووی، ۱۹۹۷؛ به نقل از بشارت، رضا زاده، فیروزی و حبیبی، ۱۳۸۴). گلמן هوش هیجانی را استعداد، مهارت یا قابلیت دانست که عمیقاً تمامی توانایی های فردی را در دایره خود دارد (سبحانی نژاد، و یوزباشی ۱۳۸۷). در مدل گلמן به طور خلاصه پنج حوزه اساسی هوش هیجانی مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. شناخت هیجان ها و احساسات خود، خودآگاهی
۲. مدیریت هیجان ها و احساسات خود، خودمدیریتی
۳. خودانگیزی
۴. تشخیص و درک هیجان ها و احساسات دیگران، دیگرآگاهی
۵. مدیریت رابطه با دیگران، دیگر مدیریت

مدل گلמן امروزه به طور وسیعی به رسمیت شناخته شده است. این مدل می گوید وقتی فردی دارای هوش عقلی یا بهره هوشی (IQ) بالایی است، لزوماً دارای هوش هیجانی بالا نیست. هوشمند بودن یک امتیاز است که البته تضمینی برای موفقیت در زندگی و روابط بین فردی و اجتماعی نخواهد بود (فیلیپ کاتلر،^۱ ترجمه امیری نیا و اقا زاده، ۱۳۹۳).

تعریف عملیاتی هوش هیجانی

در این پژوهش منظور از هوش هیجانی نمره ای است که آزمودنی از طریق مقیاس هیجانی شات و همکاران (۱۹۹۸) به دست می آورد.

تعریف عملیاتی زنان متاهل

در این پژوهش منظور از زنان متاهل، زنان متاهل شاغل در شغل پرستاری مرکز طبی کودکان تهران در پاییز و زمستان سال ۱۳۹۹ می باشد.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ اجرایی، توصیفی و از نوع همبستگی است و از لحاظ هدف، کاربردی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه کارکنان زن متاهل شاغل در بیمارستان مرکز طبی کودکان تهران (با تاکید بر پرستاران آن

¹ Wagner	6
¹ Solvey	7
¹ Kotler	8
¹ schutte	9

مرکز که تعدادشان ۱۸۰ نفر می باشد) در بازه زمانی پاییز و زمستان ۱۳۹۹ می باشد. نمونه این پژوهش بر اساس جدول مورگان شامل ۱۲۱ نفر بود. برای دستیابی به این نمونه، از روش نمونه گیری در دسترس استفاده شد. با توجه به اینکه انجام این پژوهش در زمان شیوع کرونا انجام شده است و پیرو شرایط شیوع بیماری، امکان تماس رو در رو و ارائه و دریافت پرسشنامه های کاغذی میسر نبود، پرسشنامه های فوق الذکر در قالب آزمون آنلاین لینک دار طراحی شد و با توضیحات کامل اینکه این پرسشنامه ها جهت سنجش بهداشت و روان عمومی تنظیم شده و داده های آن محرمانه خواهد بود و با هدف انجام پژوهش علمی صورت می گیرد، با هماهنگی مدیر مرکز و با استفاده از سامانه پیام رسانی بیمارستان فوق الذکر، لینک پرسشنامه ها در اختیار کارکنان زن متاهل شاغل در آن بیمارستان قرار گرفت و پس از ثبت پاسخ پرسشنامه ها، پرسشنامه های معیوب خارج و در نهایت تعداد ۱۲۱ پرسشنامه سالم و قابل تحلیل بدست آمد.

یافته های پژوهش

بررسی یافته های تحقیق در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی می پردازیم. جهت تجزیه و تحلیل داده ها در بخش آمار توصیفی از شاخص های آماری چون فراوانی، میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین و در بخش آمار استنباطی از آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره و همبستگی پیرسون استفاده گردیده است.

توصیف داده ها: به منظور روشن نمودن روابط میان داده های اخذ شده از نمونه و قابل درک نمودن آن ها به بررسی متغیرهای مورد مطالعه پرداخته شده است. برای دستیابی به هدف فوق، داده ها جمع آوری، تلخیص، تنظیم و در قالب جداول آماری به صورت فراوانی، میانگین، انحراف معیار و واریانس، محاسبه گردیده است.

اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان در پژوهش

در این قسمت ابتدا بیوگرافی و اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان پژوهش در قالب جدول و توضیحات آن ارائه خواهد شد. جدول (۱) کمترین، بیشترین و میانگین متغیرهای سن، تعداد فرزندان و تعداد سال های ازدواج را نشان می دهد.

جدول (۱): کمترین، بیشترین و میانگین سن، تعداد فرزندان و تعداد سال های ازدواج

متغیر	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین
سن	۱۲۱	۲۶	۵۰	۴۰/۹۳
تعداد فرزند	۱۲۱	۰	۴	۱/۵۰
سال های ازدواج	۱۲۱	۱	۲۲	۱۱/۷۳

همانطور که نتایج جدول فوق نیز نشان می دهد، حداقل و حداکثر سن مشارکت کنندگان آزمون به ترتیب ۲۶ و ۵۰ بود. همچنین تعداد فرزندان آنان نیز بین ۱ تا ۴ فرزند بود و نیز حداقل و حداکثر تعداد سال های گذشت از ازدواج نیز به ترتیب ۱ و ۲۲ بود. جدول (۲) فراوانی و درصد فراوانی هریک از مقاطع تحصیلی را نشان می دهد

جدول (۲): فراوانی و درصد فراوانی هریک از مقاطع تحصیلی

مقاطع تحصیلی	فراوانی	درصد فراوانی
کارشناسی	۷۹	۶۵/۳
کارشناسی ارشد	۳۳	۲۷/۳
دکتری	۹	۷/۴

همانطور که نتایج جدول فوق نشان می دهد، بیشترین و کمترین فراوانی مقطع تحصیلی در شرکت کنندگان به ترتیب مربوط به مقطع کارشناسی پرستاری با تعداد ۷۹ نفر و دکتری با ۹ نفر بود. جدول (۳) فراوانی و درصد فراوانی میزان درآمد در زنان مشارکت کننده را نشان می دهد:

جدول (۳): فراوانی و درصد فراوانی میزان درآمد در زنان مشارکت کننده

میزان درآمد	فراوانی	درصد فراوانی
کم درآمد	۴	۳/۳
متوسط	۶۵	۵۳/۷
متوسط به بالا	۳۰	۲۴/۸
خوب	۲۲	۱۸/۲

همانطور که نتایج جدول فوق نشان می دهد، کمترین و بیشترین فراوانی میزان درآمد در شرکت کنندگان به ترتیب مربوط به گروه کم درآمد با فراوانی ۴ نفر و گروه درآمد متوسط با فراوانی ۶۵ نفر می باشد. توصیف متغیرها: به منظور روشن نمودن روابط میان داده‌های اخذ شده از نمونه و قابل درک نمودن آن‌ها به بررسی متغیرهای مورد مطالعه پرداخته شده است. برای دستیابی به هدف فوق، داده‌ها جمع‌آوری، تلخیص، تنظیم و در قالب جداول آماری به صورت فراوانی، میانگین، انحراف معیار و واریانس، محاسبه و در موارد ضروری، نمودارهای مربوط نیز رسم گردیده است.

توصیف متغیرهای پژوهش

جداول مربوط به توزیع فراوانی و اطلاعات توصیفی نمونه تحقیق در بخش زیر آورده شده است. جدول (۴) فراوانی، میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین سبک های تفکر را نشان می دهد.

جدول (۴): فراوانی، میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین سبک های تفکر

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	فراوانی
سبک تفکر قانون گرایانه	۱۹,۲۶	۲,۶۱۳	۱۱	۲۵	۱۲۱
سبک تفکر اجرایی	۱۹,۵۵	۲,۷۱۱	۱۲	۲۵	۱۲۱
سبک تفکر قضاوتی	۱۸,۹۶	۲,۴۸۱	۱۲	۲۵	۱۲۱
سبک تفکر موناشری	۱۷,۶۱	۲,۲۷۱	۱۳	۲۵	۱۲۱

۱۲۱	۲۵	۱۱	۲,۳۲۷	۲۰,۰۹	سبک تفکر سلسله مراتبی
۱۲۱	۲۵	۱۲	۲,۵۵۲	۱۸,۶۰	سبک تفکر الیگارشویی
۱۲۱	۲۵	۱۳	۲,۲۷۰	۱۸,۶۵	سبک تفکر آنارشویی
۱۲۱	۲۵	۱۰	۲,۹۴۷	۱۶,۲۰	سبک تفکر کلی
۱۲۱	۲۵	۱۰	۲,۶۶۹	۱۷,۳۲	سبک تفکر جزئی
۱۲۱	۲۵	۸	۳,۳۷۴	۱۵,۱۳	سبک تفکر درونی
۱۲۱	۲۵	۱۴	۲,۲۲۴	۲۰,۰۵	سبک تفکر بیرونی
۱۲۱	۲۵	۱۱	۳,۰۵۸	۱۸,۷۹	سبک تفکر آزادمنشانه
۱۲۱	۲۵	۱۱	۳,۰۱۳	۱۸,۸۰	سبک تفکر محافظ کارانه

همانطور که نتایج جدول ۴ نشان می دهد بزرگترین و کوچکترین میانگین به ترتیب مربوط به سبک تفکر سلسله مراتبی با نمره ۲۰/۰۹ و سبک تفکر درونی با نمره ۱۵/۱۳ می باشد. جدول (۵) فراوانی، میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین هوش هیجانی را نشان می دهد.

جدول (۵): فراوانی، میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین هوش هیجانی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	فراوانی
هوش هیجانی	۱۳۰/۱۱	۱۱/۸۶۶	۱۰۷	۱۵۸	۱۲۱

همانطور که نتایج جدول ۵ نشان می دهد میانگین هوش هیجانی ۱۳۰/۱۱، بیشینه برابر با ۱۵۸ و کمینه برابر با ۱۰۷ می باشد. جدول (۶) فراوانی، میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین عملکرد خانواده را نشان می دهد.

جدول (۶): فراوانی، میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین عملکرد خانواده

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	فراوانی
عملکرد خانواده	۲۳/۱۰	۵/۹۸۷	۱۲	۴۱	۳۳۱

همانطور که نتایج جدول ۶ نشان می دهد میانگین عملکرد خانواده ۲۳/۱۰، بیشینه برابر با ۴۱ و کمینه برابر با ۱۲ می باشد.

بررسی وضعیت نرمال بودن متغیرهای پژوهش

به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده ها از آزمون کالموگروف اسمیرنوف استفاده شد. در این آزمون فرض صفر به این صورت بیان می شود که «متغیر مورد نظر از توزیع نرمال در جامعه برخوردار است». همچنین فرض آماری به این صورت بیان می شود که «متغیر مورد نظر از توزیع نرمال در جامعه برخوردار نیست». لذا اگر معنی داری بدست آمده (P) از مقدار آلفای مورد نظر ($0/05$) بزرگتر باشد ($P > 0/05$)، فرض صفر تأیید و توزیع متغیر مورد نظر نرمال می باشد. و در غیر این صورت فرض نرمال بودن توزیع داده های متغیر مورد نظر رد می شود.

جدول (۷): آزمون کولموگروف- اسمیرنوف، به منظور بررسی نرمال بودن متغیر های پژوهش

متغیر	تعداد	Z	معنی داری (P)
سبک تفکر قانون گرایانه	۱۲۱	۰/۴۲۸	۰/۸۳۴
سبک تفکر اجرایی	۱۲۱	۰/۴۲۶	۰/۸۵۵
سبک تفکر قضاوتی	۱۲۱	۰/۵۶۳	۰/۷۸۰
سبک تفکر مونارشی	۱۲۱	۰/۴۵۶	۰/۸۴۹
سبک تفکر سلسه مراتبی	۱۲۱	۰/۵۱۶	۰/۸۰۱
سبک تفکر الیگارشی	۱۲۱	۰/۴۶۹	۰/۸۷۳
سبک تفکر آنارشی	۱۲۱	۰/۴۴۸	۰/۸۱۳
سبک تفکر کلی	۱۲۱	۰/۵۱۹	۰/۷۹۶
سبک تفکر جزئی	۱۲۱	۰/۵۳۲	۰/۷۹۵
سبک تفکر درونی	۱۲۱	۰/۵۱۱	۰/۸۰۳
سبک تفکر بیرونی	۱۲۱	۰/۴۸۸	۰/۷۹۸
سبک تفکر آزادمنشانه	۱۲۱	۰/۵۳۶	۰/۷۸۷
سبک تفکر محافظ کارانه	۱۲۱	۰/۵۸۳	۰/۷۸۳
هوش هیجانی	۱۲۱	۰/۳۸۰	۰/۹۰۹
عملکرد خانواده	۱۲۱	۰/۳۳۲	۰/۹۹۳

همانطور که نتایج جدول ۷ نشان می دهد مقدار معنی داری تمام متغیر های پژوهش از مقدار آلفای مورد نظر یعنی ۰/۰۵ بزرگتر بوده ($P > ۰/۰۵$)، لذا چنین نتیجه گیری می شود توزیع داده های پژوهش دارای توزیع نرمال بوده و برای تجزیه و تحلیل داده های پژوهش از آزمونهای آماری پارامتریک استفاده شده است.

آزمون فرضیات پژوهش

در این بخش نتایج مربوط به فرضیه های پژوهش ارائه شده است.

فرضیه اصلی: بین سبک های تفکر و هوش هیجانی با عملکرد خانواده در کارکنان زن متأهل در مراکز درمانی تهران رابطه وجود دارد.

جدول (۸): همبستگی سبک های تفکر و هوش هیجانی با اختلال عملکرد خانواده را نشان می دهد.

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	معنادارای
رابطه سبک تفکر قانون گرایانه با عملکرد خانواده	۱۲۱	-۰/۱۶۷	۰/۰۶۷
رابطه سبک تفکر اجرایی با عملکرد خانواده	۱۲۱	۰/۰۱۷	۰/۸۵۶
رابطه سبک تفکر قضاوتی با عملکرد خانواده	۱۲۱	-۰/۰۱۴	۰/۸۷۶
رابطه سبک تفکر مونارشی با عملکرد خانواده	۱۲۱	-۰/۰۲۵	۰/۷۸۳

۰/۳۰۸	-۰/۰۹۳	۱۲۱	رابطه سبک تفکر سلسه مراتبی با عملکرد خانواده
۰/۴۱۷	۰/۰۷۵	۱۲۱	رابطه سبک تفکر الیگارشسی با عملکرد خانواده
۰/۴۱۵	-۰/۰۷۵	۱۲۱	رابطه سبک تفکر آنارشسی با عملکرد خانواده
۰/۰۷۷	۰/۱۶۲	۱۲۱	رابطه سبک تفکر کلی با عملکرد خانواده
۰/۱۵۴	-۰/۱۳۱	۱۲۱	رابطه سبک تفکر جزئی با عملکرد خانواده
۰/۴۱۲	۰/۰۷۵	۱۲۱	رابطه سبک تفکر درونی با عملکرد خانواده
۰/۰۲۷	-۰/۲۰۱	۱۲۱	رابطه سبک تفکر بیرونی با عملکرد خانواده
۰/۱۴۸	-۰/۱۳۲	۱۲۱	رابطه سبک تفکر آزادمنشانه با عملکرد خانواده
۰/۲۸۴	۰/۰۹۸	۱۲۱	رابطه سبک تفکر محافظ کارانه با عملکرد خانواده
۰/۰۰۱	-۰/۴۱۰	۱۲۱	رابطه هوش هیجانی با عملکرد خانواده

همانطور که نتایج جدول (۸) نشان می دهد از بین سبک های تفکر ۱۳ گانه، فقط سبک تفکر بیرونی با عملکرد خانواده (اختلال عملکرد خانواده) رابطه منفی معناداری دارد. در این رابطه، ارزش ضریب همبستگی پیرسون (r) برابر با (۰/۲۰۱-) و نیز ارزش معناداری (۰/۰۲۷)، که این ارزش کوچکتر از خطای معنی داری مدنظر (α=۰/۰۵) می باشد. در نتیجه فقط رابطه بین سبک تفکر بیرونی و اختلال عملکرد خانواده تایید شده و سایر سبک های ۱۲ گانه دیگر، هیچگونه ارتباط معنی داری را با عملکرد خانواده از خود نشان ندادند. همچنین مطابق نتایج جدول ۸، بین هوش هیجانی و اختلال عملکرد خانواده رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. همچنین، تعداد نمونه برابر با ۱۲۱ نفر، ارزش ضریب همبستگی پیرسون (r) برابر با (۰/۴۱۰-) و نیز ارزش معناداری (۰/۰۰۱)، که این ارزش کوچکتر از خطای معنی داری مدنظر (α=۰/۰۵) می باشد. در نتیجه رابطه بین هوش هیجانی و اختلال عملکرد خانواده تایید و فرضیه صفر رد می شود.

فرضیه فرعی اول پژوهش: «بین سبک های تفکر و مولفه های عملکرد خانواده (مولفه حل مشکل، مولفه نقش، مولفه همراهی عاطفی و مولفه آمیزش) رابطه وجود دارد»:

جدول (۹): همبستگی سبک های تفکر با مولفه های اختلال عملکرد خانواده

معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	متغیر
۰/۰۰۴	-۰/۲۶۲	۱۲۱	رابطه سبک تفکر قانون گرایانه با مولفه حل مشکل
۰/۶۹۲	-۰/۰۳۶	۱۲۱	رابطه سبک تفکر اجرایی با مولفه حل مشکل
۰/۱۰۴	-۰/۱۴۸	۱۲۱	رابطه سبک تفکر قضاوتی با مولفه حل مشکل
۰/۱۰۹	-۰/۱۴۶	۱۲۱	رابطه سبک تفکر مونارشسی با مولفه حل مشکل
۰/۰۲۷	-۰/۲۰۱	۱۲۱	رابطه سبک تفکر سلسه مراتبی با مولفه حل مشکل
۰/۱۲۴	-۰/۱۴۱	۱۲۱	رابطه سبک تفکر الیگارشسی با مولفه حل مشکل
۰/۰۳۳	-۰/۱۹۵	۱۲۱	رابطه سبک تفکر آنارشسی با مولفه حل مشکل
۰/۴۷۷	۰/۰۶۵	۱۲۱	رابطه سبک تفکر کلی با مولفه حل مشکل
۰/۰۱۰	-۰/۲۳۴	۱۲۱	رابطه سبک تفکر جزئی با مولفه حل مشکل
۰/۹۷۱	۰/۰۰۳	۱۲۱	رابطه سبک تفکر درونی با مولفه حل مشکل

۰/۰۰۱	-۰/۳۲۸	۱۲۱	رابطه سبک تفکر بیرونی با مولفه حل مشکل
۰/۰۰۱	-۰/۲۹۱	۱۲۱	رابطه سبک تفکر آزادمنشانه با مولفه حل مشکل
۰/۸۲۹	۰/۰۲۲	۱۲۱	رابطه سبک تفکر محافظ کارانه با مولفه حل مشکل
۰/۰۱۵	-۰/۲۲۱	۱۲۱	رابطه سبک تفکر قانون گرایانه مولفه نقش ها
۰/۸۴۴	-۰/۰۱۸	۱۲۱	رابطه سبک تفکر اجرایی با مولفه نقش ها
۰/۲۴۳	-۰/۱۰۷	۱۲۱	رابطه سبک تفکر قضاوتی با مولفه نقش ها
۰/۶۱۵	-۰/۰۴۶	۱۲۱	رابطه سبک تفکر موناشری با مولفه نقش ها
۰/۱۱۱	-۰/۱۴۶	۱۲۱	رابطه سبک تفکر سلسه مراتبی با مولفه نقش ها
۰/۹۷۵	-۰/۰۰۳	۱۲۱	رابطه سبک تفکر الیگارشوی با مولفه نقش ها
۰/۴۷۵	-۰/۰۶۶	۱۲۱	رابطه سبک تفکر آنارشی با مولفه نقش ها
۰/۰۱۷	۰/۲۱۷	۱۲۱	رابطه سبک تفکر کلی با مولفه نقش ها
۰/۰۲۱	-۰/۲۱۱	۱۲۱	رابطه سبک تفکر جزئی با مولفه نقش ها
۰/۳۰۵	۰/۰۹۴	۱۲۱	رابطه سبک تفکر درونی با مولفه نقش ها
۰/۰۲۲	-۰/۲۰۸	۱۲۱	رابطه سبک تفکر بیرونی با مولفه نقش ها
۰/۰۸۱	-۰/۱۵۹	۱۲۱	رابطه سبک تفکر آزادمنشانه با مولفه نقش ها
۰/۵۴۹	۰/۰۵۵	۱۲۱	رابطه سبک تفکر محافظه کارانه با مولفه نقش ها
۰/۵۴۱	۰/۰۵۶	۱۲۱	رابطه سبک تفکر قانون گرایانه با مولفه همراهی عاطفی
۰/۱۶۹	۰/۱۲۶	۱۲۱	رابطه سبک تفکر اجرایی با مولفه همراهی عاطفی
۰/۹۶۶	۰/۰۰۴	۱۲۱	رابطه سبک تفکر قضاوتی با مولفه همراهی عاطفی
۰/۳۳۲	۰/۰۸۹	۱۲۱	رابطه سبک تفکر موناشری با مولفه همراهی عاطفی
۰/۵۳۵	-۰/۰۵۷	۱۲۱	رابطه سبک تفکر سلسه مراتبی با مولفه همراهی عاطفی
۰/۹۳۵	۰/۰۰۸	۱۲۱	رابطه سبک تفکر الیگارشوی با مولفه همراهی عاطفی
۰/۹۱۲	۰/۰۱۰	۱۲۱	رابطه سبک تفکر آنارشی با مولفه همراهی عاطفی
۰/۰۹۲	۰/۱۵۵	۱۲۱	رابطه سبک تفکر کلی با مولفه همراهی عاطفی
۰/۸۶۱	-۰/۰۱۶	۱۲۱	رابطه سبک تفکر جزئی با مولفه همراهی عاطفی
۰/۰۳۹	۰/۱۸۸	۱۲۱	رابطه سبک تفکر درونی با مولفه همراهی عاطفی
۰/۰۲۸	-۰/۱۹۹	۱۲۱	رابطه سبک تفکر بیرونی با مولفه همراهی عاطفی
۰/۲۹۵	۰/۰۹۶	۱۲۱	رابطه سبک تفکر آزادمنشانه با مولفه همراهی عاطفی
۰/۰۲۳	۰/۲۰۶	۱۲۱	رابطه سبک تفکر محافظه کارانه با مولفه همراهی عاطفی
۰/۳۱۹	۰/۰۹۱	۱۲۱	رابطه سبک تفکر قانون گرایانه با مولفه آمیزش عاطفی
۰/۴۶۲	۰/۰۶۸	۱۲۱	رابطه سبک تفکر اجرایی با مولفه آمیزش عاطفی
۰/۸۲۸	-۰/۰۲۰	۱۲۱	رابطه سبک تفکر قضاوتی با مولفه آمیزش عاطفی
۰/۱۶۳	۰/۱۲۸	۱۲۱	رابطه سبک تفکر موناشری با مولفه آمیزش عاطفی
۰/۲۴۴	-۰/۱۰۷	۱۲۱	رابطه سبک تفکر سلسه مراتبی با مولفه آمیزش عاطفی
۰/۴۴۴	۰/۰۷۱	۱۲۱	رابطه سبک تفکر الیگارشوی با مولفه آمیزش عاطفی
۰/۲۱۹	۰/۱۱۳	۱۲۱	رابطه سبک تفکر آنارشی با مولفه آمیزش عاطفی

۰/۰۱۴	۰/۲۲۵	۱۲۱	رابطه سبک تفکر کلی با مولفه آمیزش عاطفی
۰/۰۶۷	۰/۱۶۸	۱۲۱	رابطه سبک تفکر جزئی با مولفه آمیزش عاطفی
۰/۰۰۳	۰/۲۶۵	۱۲۱	رابطه سبک تفکر درونی با مولفه آمیزش عاطفی
۰/۲۵۵	-۰/۱۰۴	۱۲۱	رابطه سبک تفکر بیرونی با مولفه آمیزش عاطفی
۰/۹۷۰	-۰/۰۰۴	۱۲۱	رابطه سبک تفکر آزادمنشانه با مولفه آمیزش عاطفی
۰/۰۵۵	۰/۱۷۵	۱۲۱	رابطه سبک تفکر محافظه کارانه با مولفه آمیزش عاطفی

همانطور که نتایج جدول ۹ نشان می دهد، از بین سبک های تفکر ۱۳ گانه، سبک تفکر بیرونی قویترین ارتباط را با مولفه حل مشکل (یکی از مولفه های اختلال عملکرد خانواده) از خود نشان داد. تعداد نمونه برابر با ۱۲۱ نفر، ارزش ضریب همبستگی پیرسون (r) برابر با (-۰/۳۲۸) و نیز ارزش معناداری (۰/۰۰۱)، که این ارزش کمتر از خطای معنی داری مدنظر ($\alpha=۰/۰۵$) می باشد، در نتیجه رابطه مذکور، تایید می شود.

همچنین، نتایج جدول ۹ نشان می دهد، از بین سبک های تفکر ۱۳ گانه، سبک تفکر قانونگرایانه قویترین ارتباط را با مولفه ایفای نقش (یکی از مولفه های اختلال عملکرد خانواده) از خود نشان داد. تعداد نمونه برابر با ۱۲۱ نفر، ارزش ضریب همبستگی پیرسون (r) برابر با (-۰/۲۲۱) و نیز ارزش معناداری (۰/۰۱۵)، که این ارزش کمتر از خطای معنی داری مدنظر ($\alpha=۰/۰۵$) می باشد، در نتیجه رابطه مذکور، تایید می شود. همچنین، نتایج جدول ۹ نشان می دهد، از بین سبک های تفکر ۱۳ گانه، سبک تفکر محافظه کارانه قویترین ارتباط را با مولفه همراهی عاطفی (یکی از مولفه های اختلال عملکرد خانواده) از خود نشان داد. تعداد نمونه برابر با ۱۲۱ نفر، ارزش ضریب همبستگی پیرسون (r) برابر با (۰/۲۰۶) و نیز ارزش معناداری (۰/۰۲۳)، که این ارزش کمتر از خطای معنی داری مدنظر ($\alpha=۰/۰۵$) می باشد، در نتیجه رابطه مذکور، تایید می شود. همچنین، نتایج جدول نشان می دهد، از بین سبک های تفکر ۱۳ گانه، سبک تفکر درونی قویترین ارتباط را با مولفه آمیزش عاطفی (یکی از مولفه های اختلال عملکرد خانواده) از خود نشان داد. تعداد نمونه برابر با ۱۲۱ نفر، ارزش ضریب همبستگی پیرسون (r) برابر با (۰/۲۶۵) و نیز ارزش معناداری (۰/۰۰۳)، که این ارزش کمتر از خطای معنی داری مدنظر ($\alpha=۰/۰۵$) می باشد، در نتیجه رابطه مذکور، تایید می شود.

جدول (۱۰): همبستگی انواع سبک های تفکر با عملکرد خانواده

معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	متغیر
۰/۰۶۷	-۰/۱۶۷	۱۲۱	رابطه سبک تفکر قانون گرایانه با عملکرد خانواده
۰/۸۵۶	۰/۰۱۷	۱۲۱	رابطه سبک تفکر اجرایی با عملکرد خانواده
۰/۸۷۶	۰/۰۱۴	۱۲۱	رابطه سبک تفکر قضاوتی با عملکرد خانواده
۰/۸۷۳	۰/۰۲۵	۱۲۱	رابطه سبک تفکر موناشرشی با عملکرد خانواده
۰/۳۰۸	۰/۰۹۳	۱۲۱	رابطه سبک تفکر سلسه مراتبی با عملکرد خانواده
۰/۴۱۷	۰/۰۷۵	۱۲۱	رابطه سبک تفکر الیگارشسی با عملکرد خانواده
۰/۴۱۵	۰/۰۷۵	۱۲۱	رابطه سبک تفکر آنارشسی با عملکرد خانواده
۰/۰۷۷	۰/۱۶۲	۱۲۱	رابطه سبک تفکر کلی با عملکرد خانواده

۰/۱۵۴	۰/۱۳۱	۱۲۱	رابطه سبک تفکر جزئی با عملکرد خانواده
۰/۴۱۲	۰/۰۷۵	۱۲۱	رابطه سبک تفکر درونی با عملکرد خانواده
۰/۰۲۷	۰/۲۰۱	۱۲۱	رابطه سبک تفکر بیرونی با عملکرد خانواده
۰/۱۴۸	۰/۱۳۲	۱۲۱	رابطه سبک تفکر آزادمنشانه با عملکرد خانواده
۰/۲۸۴	۰/۰۹۸	۱۲۱	رابطه سبک تفکر محافظ کارانه با عملکرد خانواده

همانطور که نتایج جدول ۱۰ نشان می دهد از بین انواع سبک های تفکر، فقط سبک تفکر بیرونی با عملکرد خانواده رابطه مثبت و معنی داری دارد، تعداد نمونه برابر با ۱۲۱ نفر، ارزش ضریب همبستگی پیرسون (r) برابر با ۰/۲۰۱ و نیز ارزش معناداری نیز در سطح ۰/۰۲۷، معنی دار بود.

فرضیه فرعی دوم پژوهش: «بین هوش هیجانی و مولفه های عملکرد خانواده (مولفه حل مشکل، مولفه نقش، مولفه همراهی عاطفی و مولفه آمیزش) رابطه وجود دارد»

جدول (۱۱): همبستگی هوش هیجانی با مولفه های اختلال عملکرد خانواده را نشان می دهد.

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	معناداری
رابطه هوش هیجانی با مولفه حل مشکل	۱۲۱	-۰/۴۹۰	۰/۰۰۱
رابطه هوش هیجانی با مولفه نقش ها	۱۲۱	-۰/۲۶۷	۰/۰۰۳
رابطه هوش هیجانی با مولفه همراهی عاطفی	۱۲۱	-۰/۳۱۲	۰/۰۰۱
رابطه هوش هیجانی با مولفه آمیزش عاطفی	۱۲۱	-۰/۲۳۲	۰/۰۱۱

همانطور که نتایج جدول ۱۱ نشان می دهد بین هوش هیجانی و مولفه ناتوانی در حل مشکل رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. همچنین، تعداد نمونه برابر با ۱۲۱ نفر، ارزش ضریب همبستگی پیرسون (r) برابر با (-۰/۴۹۰) و نیز ارزش معناداری (۰/۰۰۱)، که این ارزش کمتر از خطای معنی داری مدنظر ($\alpha=0/05$) می باشد در نتیجه رابطه بین هوش هیجانی با مولفه حل مشکل تایید و فرضیه صفر رد می شود. همچنین، نتایج جدول ۱۱ نشان می دهد که بین هوش هیجانی و مولفه نقش رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. همچنین، تعداد نمونه برابر با ۱۲۱ نفر، ارزش ضریب همبستگی پیرسون (r) برابر با (-۰/۲۶۷) و نیز ارزش معناداری (۰/۰۰۳)، که این کمتر از خطای معنی داری مدنظر ($\alpha=0/05$) می باشد، در نتیجه رابطه بین هوش هیجانی با مولفه نقش تایید و فرضیه صفر رد می شود. همچنین، نتایج جدول ۱۱ نشان می دهد که بین هوش هیجانی و مولفه ناتوان در همراهی عاطفی رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. همچنین، تعداد نمونه برابر با ۱۲۱ نفر، ارزش ضریب همبستگی پیرسون (r) برابر با (-۰/۳۱۲) و نیز ارزش معناداری (۰/۰۰۱)، که این ارزش بزرگتر از خطای معنی داری مدنظر ($\alpha=0/05$) می باشد در نتیجه رابطه بین هوش هیجانی با مولفه همراهی عاطفی تایید و فرضیه صفر رد می شود. همچنین، نتایج جدول نشان می دهد که بین هوش هیجانی و مولفه ناتوانی در آمیزش عاطفی رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. همچنین، تعداد نمونه برابر با ۱۲۱ نفر، ارزش ضریب همبستگی پیرسون (r) برابر با (-۰/۲۳۲) و نیز ارزش معناداری (۰/۰۱۱)، که این

ارزش بزرگتر از خطای معنی داری مدنظر ($\alpha=0/011$) می باشد در نتیجه رابطه بین هوش هیجانی با مولفه آمیزش عاطفی تایید و فرضیه صفر رد می شود.

جدول (۱۲): همبستگی مولفه های هوش هیجانی با عملکرد خانواده

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	معناداری
رابطه مولفه تنظیم هیجان با عملکرد خانواده	۱۲۱	۰/۲۰۳	۰/۰۲۷
رابطه مولفه ارزیابی و بیان هیجان با عملکرد خانواده	۱۲۱	۰/۶۷۵	۰/۰۰۱
رابطه مولفه بهره برداری از هیجانی با عملکرد خانواده	۱۲۱	۰/۶۵۴	۰/۰۰۱

همانطور که نتایج جدول ۱۲ نشان می دهد از بین مولفه های هوش هیجانی بیشترین ارتباط مربوط به ارتباط مولفه ارزیابی و بیان هیجان با عملکرد خانواده بود. تعداد نمونه برابر با ۱۲۱ نفر، ارزش ضریب همبستگی پیرسون (r) برابر با ۰/۶۷۵ و نیز ارزش معناداری نیز در سطح (۰/۰۰۱) معنی دار بود

فرضیه فرعی سوم پژوهش: «سبک های تفکر و هوش هیجانی قادر به پیش بینی عملکرد خانواده در کارکنان زن متأهل شاغل در بیمارستان مرکز طبی کودکان تهران می باشند.»

جدول (۱۳): نتایج رگرسیون خطی پیش بینی عملکرد خانواده بر پایه سبک های تفکر و هوش هیجانی در کارکنان زن متأهل،

شاغل در بیمارستان مرکز طبی کودکان تهران ($n=121$)

متغیر	T	ضریب رگرسیون (β)	معناداری	نتیجه فرضیه پژوهش
هوش هیجانی	-۴/۹۰۶	-۰/۴۱۰	۰/۰۰۱	تایید
سبک تفکر قانون گرایانه	-۱/۸۵۲	-۰/۱۶۷	۰/۰۶۷	رد
سبک تفکر اجرایی	۰/۱۸۲	۰/۰۱۷	۰/۸۵۶	رد
سبک تفکر قضاوتی	-۰/۱۵۶	-۰/۰۱۴	۰/۸۷۶	رد
سبک تفکر مونارشی	-۰/۲۷۷	-۰/۰۲۵	۰/۷۸۳	رد
سبک تفکر سلسله مراتبی	-۱/۰۲۳	-۰/۰۹۳	۰/۳۰۸	رد
سبک تفکر الیگارشی	-۰/۸۱۴	-۰/۰۷۵	۰/۴۱۷	رد
سبک تفکر آنارشی	-۰/۸۱۸	-۰/۰۷۵	۰/۴۱۵	رد
سبک تفکر کلی	۱/۷۸۷	۰/۱۶۲	۰/۰۷۷	رد
سبک تفکر جزئی	-۱/۴۳۵	-۰/۱۳۱	۰/۱۵۴	رد
سبک تفکر درونی	۰/۸۲۳	۰/۰۷۵	۰/۴۱۲	رد
سبک تفکر بیرونی	-۲/۲۳۴	-۰/۲۰۱	۰/۰۲۷	تایید
سبک تفکر آزادمنشانه	-۱/۴۵۶	-۰/۱۳۲	۰/۱۴۸	رد
سبک تفکر محافظ کارانه	۱/۰۷۶	۰/۰۹۸	۰/۲۸۴	رد

همانطور که نتایج جدول ۱۳ نشان می دهد، متغیر هوش هیجانی، قادر به پیش بینی عملکرد خانواده در کارکنان می باشد. ($T = -4/906$, $p < 0/001$) ضریب رگرسیون یا بتا، نشان می دهد $sig = 0/001$ است، که ارزشی معناداری از لحاظ آماری در سطح اهمیت $\alpha = 0/05$ است و هوش هیجانی در سطح $0/410$ - قادر است اختلال عملکرد خانواده را پیش بینی نماید. همچنین، مطابق نتایج جدول ۱۳ نشان می دهد، از بین سبک های تفکر ۱۳ گانه، فقط سبک تفکر بیرونی قادر به پیش بینی عملکرد خانواده در کارکنان می باشد. ($T = -2/234$, $p < 0/001$) ضریب رگرسیون یا بتا، نشان می دهد $sig = 0/027$ است، که ارزشی معناداری از لحاظ آماری در سطح اهمیت $\alpha = 0/05$ است، لذا سبک تفکر بیرونی در سطح $0/201$ - قادر است اختلال عملکرد خانواده را پیش بینی نماید.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک های تفکر و هوش هیجانی با عملکرد خانوادگی در کارکنان زن متاهل شاغل در بیمارستان مرکز طبی کودکان تهران در بازه زمانی پاییز و زمستان ۱۳۹۹ انجام شد. در ابتدا هدف این بود که رابطه دو متغیر سبک های تفکر و هوش هیجانی با متغیر عملکرد خانواده، بصورت جدا جدا بررسی شود. نتایج این بررسی نشان داد که بین سبک های تفکر و عملکرد خانواده رابطه معنی داری وجود ندارد، اما برعکس بین هوش هیجانی و عملکرد خانواده یک رابطه مثبت و معنی داری ($r = 0/41$) بدست آمد. در فرضیه فرعی اول پژوهش که با هدف بررسی همبستگی سبک های تفکر با ϵ مولفه عملکرد خانواده (مولفه حل مشکل، مولفه نقش ها، مولفه همراهی عاطفی و مولفه آمیزش عاطفی) انجام شد، نتایج نشان داد که سبک های تفکر فقط با مولفه حل مشکل رابطه مثبت و معنی داری داشت ($r = 0/242$). همچنین در فرضیه فرعی دوم پژوهش نیز مشخص شد که متغیر هوش هیجانی با هر ϵ مولفه عملکرد خانواده (مولفه حل مشکل، مولفه نقش ها، مولفه همراهی عاطفی و مولفه آمیزش عاطفی) رابطه مثبت و معنی دارد و قوی ترین رابطه هم بین هوش هیجانی با مولفه حل مشکل بود ($r = 0/49$). در فرضیه فرعی سوم پژوهشگر به دنبال بررسی پیش بینی عملکرد خانواده بر اساس دو متغیر سبک های تفکر و هوش هیجانی بود. نتایج تحلیل رگرسیون از نوع همزمان نشان داد که هر دو متغیر پیش بین (سبک های تفکر و هوش هیجانی) باهمدیگر، توانستند ۲۱ درصد از واریانس متغیر عملکرد خانواده را در کارکنان زن پیش بینی نمایند. در تبیین این یافته که یکی از عواملی که با عملکرد خانواده رابطه دارد هوش هیجانی است، می توان گفت که کارکنان زنی که از هوش هیجانی مطلوبی برخوردارند، به راحتی هیجانات خود را می شناسند و به شکل بهینه نیز می توانند مانع از بروز هیجانات منفی خود در فضای خانه و خانواده گردند و از طرف دیگر این کارکنان زن به راحتی می توانند هیجانات مثبت خود را بروز دهند و زمانی که فضای خانواده خشک و سرد است، هیجانات مثبت خود را به فضای خانواده تزریق کنند. همچنین هوش هیجانی مطلوب به این کارکنان زن کمک می کند زمانی که از محل کار به منزل بر می گردند، آن هیجانات منفی و آن مشکلات شغلی خود را شناسایی و مدیریت نموده و از انتقال هیجانات منفی محیط کاری خود به خانه و خانواده، خودداری می کنند. همچنین هوش هیجانی کمک می کند که کارکنان زن، در محیط خانه نیز به راحتی هیجانات مثبت و منفی سایر اعضای خانواده را

درک کرده و به راحتی بتوانند پاسخ های هیجانی هوشمندانه ای به فضای هیجانی پیش آمده بدهند. علاوه بر کارکردهای مهم هوش هیجانی که در فوق به آن اشاره شد، هوش هیجانی یک ابزار ذهنی قدرتمندی در کنترل و مدیریت تکانه ها است. این توانایی مدیریت تکانه، سبب می شود که این زنان هم در محیط شغلی بتوانند تکانه های شغلی و محیط بیرون از منزل را کنترل و مدیریت کنند و نیز زمانی که در فضای خانه و خانواده، مشکلات غیرقابل پیش بینی رخ می دهد، به راحتی کنترل نمایند. بعلاوه اینکه فضای شغلی و فضای خانواده دائم با مشکلات متعددی همراه است، زمانی که از هوش هیجانی مطلوبی برخوردارند، در مواجهه با مشکلات شغلی و مشکلات خانوادگی، به راحتی خم و چم های این محیط ها را شناسایی کرده و زودتر از سایر افراد با مشکلات شغلی و خانوادگی سازگار می شوند. همچنین هوش هیجانی به این کارکنان زن کمک می کند تا به راحتی با دیگران ارتباط برقرار کنند و دوستان خوب و همراهی نیز داشته باشند و زمانی که با مشکلات شغلی و یا خانوادگی مواجه می شوند، به راحتی با دوستان خود مشورت می کنند و راهکارهای کارآمدتری را برای حل مشکلات دورن و بیرون از منزل بکار می گیرند. همچنین هوش هیجانی به این زنان کمک می کند تا در مجموع افراد شادتر و امیدوارتری باشند، چرا که هیجانی منفی خود را شناسایی و مدیریت نموده و هیجانات مثبت خود را بیشتر مدنظر قرار داده و رشد می دهند و در محیط های کاری و بخصوص در چارچوب خانواده، زنان شادتر و امیدوارتری هستند. از سوی دیگر، علاوه بر هوش هیجانی، یکی دیگر از عواملی که با عملکرد خانواده رابطه دارد، سبک های تفکر است (رابطه سبک های تفکر فقط با مولفه حل مشکل عملکرد خانواده برقرار بود)، می توان اذعان داشت در وهله اول باید بدانیم که مولفه توانایی حل مشکل به معنای توانایی خانواده برای حل مشکلات و نیز مراحلی که برای این کار طی می کنند، می باشد؛ این بدان معناست که اولاً تمام مشکلات خانواده صرفاً مشکلات عاطفی و هیجانی نیست، چرا که مشکلات شغلی و کاری و نیز مشکلات اقتصادی که از فضای بیرون از چارچوب منزل وارد خانه می شود را نیز شامل می شود. دلیل دوم برای این ارتباط می تواند این باشد که برای حل هر مشکلی پس از شناسایی و تعریف دقیق مشکل، باید راهکارهای عملیاتی اندیشیده شود، اینجاست که سبک های تفکر و مدل های متفاوت اندیشیدن می تواند به فرد کمک کند تا راهکاری مناسب و شایسته برای مشکلات پیدا نماید، لذا برای حل مشکلات خانوادگی و بخصوص مشکلات فراخانوادگی، مدل ها و سبک های تفکر می تواند یکی از ابزارهای کمکی و کارآمد اندیشیدن و یافتن راه حل ها و راهکارهای حل مشکل باشد و از نظر عملی نیز همین اتفاق می افتد و بین سبک های تفکر و توانایی حل مشکل رابطه واقعی و منطقی ایجاد می شود. بطور کلی می توان گفت که هوش هیجانی به کارکنان زن کمک می کند که از یکسو بطور کلی، تمام هیجانات منفی و مخرب محیط شغلی و محیط خانواده را کنترل نمایند و از بروز مشکلات جدید هیجانی، پیشگیری می کند و از سوی دیگر نیز اگر به هر دلیلی مشکلی در سطح خانه و خانواده نیز به وجود آید، سبک های تفکر به کارکنان کمک می کند تا با فعال کردن قوه حل مشکل، مشکلات و مسائل پیش رو را به صورت حرفه ای تعریف نموده و راهکارهای عملیاتی و کارآمدی برای حل آن مشکل ایجاد نماید، از اینروست که دو عامل هوش هیجانی و سبک های تفکر می توانند تا حد معقولی، منجر به بهبود عملکرد خانواده در کارکنان زن گردند.

پیشنهادهای کاربردی

- از آنجایی که مسلط بودن به هوش هیجانی بالا می تواند به عنوان یک شاه کلید مثبت و انرژی بخش باشد و در نهایت این شاه کلید به راحتی می تواند حل کننده مسائل هیجانی و کارکردی خانواده باشد لذا نتایج این پژوهش می تواند برای کلیه مراکزی که با درمان و آموزش خانواده سر و کار دارند موثر باشد و با آموزش هوش هیجانی توانایی افراد را در حل مسئله بالا ببرند و نقش ها و وظایف به طور صحیح در خانواده تقسیم میشود و همچنین باعث بالا رفتن همراهی عاطفی و امیختگی عاطفی اعضای خانواده با یکدیگر میشود و باعث می شود خانواده نیازهای هیجانی همه اعضایش برآورده شود پس توصیه میشود آموزش هوش هیجانی در مشکلات خانوادگی، تعارضات زناشویی با منشاء هیجانی، در اولویت قرار گیرد.
- پیشنهاد می گردد مراکز مشاوره قبل از ازدواج در آموزش هوش هیجانی تاکید بیشتری داشته باشند چون هوش هیجانی بر تمام مولفه های عملکرد خانواده به طور مستقیم تاثیر گذار است و می تواند جلوی بسیاری از تعارضات زناشویی در آینده گرفته شود.
- با توجه به اینکه که هوش هیجانی با عملکرد خانوادگی رابطه مستقیم دارد و از آنجایی که هرچقدر عملکرد خانوادگی بهبود پیدا کند فرزندان که در بستر آن خانواده رشد می کنند فرزندان سالم تر و با نشاط تر هستند لذا توصیه می شود کلیه مراکز و سازمانهایی که با تربیت فرزند مرتبط هستند آموزش هوش هیجانی را در برنامه کاری خود به طور جدی دنبال کنند.
- از آنجائیکه هوش هیجانی با مولفه حل مسئله در عملکرد خانواده رابطه مستقیمی دارد با توجه به اینکه بروز تنش در بستر خانواده در دوران بلوغ فرزندان اجتناب ناپذیر است لذا و اگر اعضای خانواده هوش هیجانی خود را بالا ببرند توانایی حل مسئله نیز افزایش خواهد یافت و می توانند این دوران را با تنش های کمتری سپری کنند لذا پیشنهاد می شود که مدیران مدارس و مراکز مشاوره مستقر در مدارس جلساتی را جهت بالا بردن هوش هیجانی برای والدین و دانش آموزان برگزار کند.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی تازه کند، فریبا و شاه محمدی، مینا (۱۳۹۶) نقش معنویت و مذهب درون نظام خانواده کنفرانس بین المللی فرهنگ آسیب شناسی روانی و تربیت انجمن روانشناسی ایران دانشگاه الزهرا دوره ۱.
۲. استریت، ایدی. (۱۹۹۴). مشاوره خانواده. ترجمه: مصطفی تبریزی و علی علوی نیا (۱۳۹۴). تهران: انتشارات فراروان.
۳. امامی پور، سوزان. (۱۳۸۰). بررسی تحولی سبک‌های تفکر در دانش‌آموزان و دانشجویان و رابطه آن با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی. رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
۴. بخشی پور، باب‌الله، اسدی، مسعود، کیانی، احمد رضا، شیرعلی پور، اصغرو احمد دوست، حسین. (۱۳۹۱). رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق. مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، شماره ۴۸، صفحات ۱۰-۱۹.
۵. بهرام هیدچی، مریم، سوداگر، شیدا، مسیحی، فرحناز و جعفری آذر فاطمه (۱۳۹۶). نقش تبیین‌کننده سبک‌های تفکر دانش‌آموزان دختر بر اساس عملکرد خانواده. اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی علوم تربیتی و حقوق و علوم اجتماعی.
۶. پیکرستان حسن، اکبری ابوالقاسم، حسینی نرگس، شریفی نسترن و قدسی احقر (۱۳۸۰). پرسشنامه‌های پژوهشی در زمینه روان‌شناسی، مشاوره، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی.
۷. پیری، نفیسه (۱۳۹۸). رابطه سبک‌های فرزندپروری و عملکرد خانواده با هوش هیجانی. سومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی، مدیریت و روانشناسی.
۸. ثنایی ذاکر، باقر، هومن، عباس و علاقبند، ستیلا (۱۳۸۸). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
۹. ثنایی، باقر (۱۳۹۶). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات رشد، چاپ چهارم.
۱۰. جهانیان، علی اشرف (۱۳۹۰). پایان‌نامه رابطه سبک‌های تفکر و استرس راهبردهای مقابله با آن دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

۱۱. سبحانی نژاد، مهدی و یوزباشی، علیرضا (۱۳۸۷). هوش هیجانی و مدیریت در سازمان (مبانی نظری، شیوه های آموزش و ابزارهای سنجش). تهران: انتشارات یسطرون.
۱۲. سیف، علی اکبر (۱۴۰۰). روانشناسی پرورشی نوین (روانشناسی یادگیری و آموزش). تهران: انتشارات دوران، چاپ بیست و دوم.
۱۳. فیلیپ کارتر هوش هیجانی خود را بسنجید، ترجمه محمود امیری نیا و پریسا آقازاده، ۱۳۹۳، نشر آراسته.
۱۴. قائمی طلب، فرشته (۱۳۹۶) بررسی ارتباط بین هوش هیجانی و سبکهای تفکر استرنبرگ (مطالعه موردی) سایت بهینه گی.
۱۵. قمری، محمد (۱۳۹۰). مقایسه ابعاد عملکرد خانواده و کیفیت زندگی و رابطه این متغیرها در بیم افراد معتاد و غیر معتاد. فصلنامه اعتیاد پژوهی، سال ۵، شماره ۱۸، صفحات ۶۸-۵۵.
۱۶. مزرعه، امیررضا، ۱۴۰۰، نقش مدیریتی عمرانی در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری با تأکید بر ارتقاء کیفیت زندگی، مجله جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۴، شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۴ پاییز، صفحه ۱۰۱-۱۲۰
۱۷. مهدی زاده، آسایش حمید، تقوی کیش بهزاد و قربانی مصطفی (۱۳۹۵). تفاوت جنسیتی و هوش هیجانی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان. مجله علمی دانش کده پرس تار و مایمی بو به گرگان، ۲، ۸، ۳۰-۳۴.
۱۸. نجفی، صاحبه (۱۳۹۳). رابطه سبک فرزندپروری والدین با هوش هیجانی و پرخاشگری در نوجوانان دختر. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت.
۱۹. Bar-On, R. (2004). *The Bar-On Emotional Quotient Inventory (EQ-i): rationale, description and summary of psychometric properties*. In Glenn Geher (ed.): *Measuring emotional intelligence: common ground and controversy*. Hauppauge, NY: Nova Science Publishers, pp. 111-142.
۲۰. Bar-on, R., & Parker, J. A. D. (2000). *The handbook of emotional intelligence*. Jossey-Bass Inc.
۲۱. Betoret, F. D. (2007). *The influence of students' and teachers' thinking styles on student course satisfaction and on their learning process*. *Educational Psychology*, 27, 219-234.
۲۲. Borromeo Ferri, R. (2012). *Mathematical thinking styles and their influence on teaching and learning mathematics*. *12th International Congress on Mathematical Education*, pp. abcde-fghij.
۲۳. Mayer, J. D, Salovey, P., & Caruso, D. (2000). *Emotional Intelligence Test (MSCEIT) Users Manual*. Toronto, Canada: MHs.
۲۴. Mayer, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. (2000). *Models of emotional intelligence*. In R.J. Sternberg (ed.): *Handbook of human intelligence* (pp ۳۹۶-۴۲۰) New York: Cambridge University Press.
۲۵. Mayer, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. R. (2002). *Relation of ability measure of emotional intelligence to personality*. *Journal of Personality Assessment*, 76(2), 306-320.
۲۶. Mayer, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. R., & Sitarenios, G. (2001). *Emotional intelligence as a standard intelligence*. *Emotion*, 30, 232-242.
27. Tamplin, A., Goodyer, L. M., Herbert, J. (1998). *Family functioning and parent general health in families of adolescents with major depressive disorder*. *Journal of Affective Disorders*, 48: 1-13.